



درس فراهی فقه استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۳ مهر ۱۳۹۵

موضوع کلی: القول فیما یجب فیہ الخمس - الخامس: ما یفضل عن مؤونة السنة

مصادف با: ۲۲ ذی الحجه ۱۴۳۷

موضوع جزئی: مسئله سیزدهم - تعلق خمس به رأس المال - بررسی نظر سید و محقق خویی

جلسه: ۶

سال هفتم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته

نتیجه بحث در جلسه گذشته این شد که در موضوع احتساب یا عدم احتساب رأس المال از مؤونه، حق با امام (ره) است. امام (ره) فرمودند چنانچه رأس المال و سرمایه از ارباب مکاسب به شمار رود و برای اعاشه و زندگی مورد نیاز باشد به گونه‌ای که پرداخت خمس آن موجب تنزل درآمد و کسب شود در این صورت، خمس واجب نیست و چنین رأس المالی از مؤونه به حساب می‌آید؛ در غیر این صورت مؤونه محسوب نمی‌شود و خمس آن باید پرداخت شود. اشکالاتی که به این نظر ممکن بود وارد شود ذکر و پاسخ آنها نیز بیان شد.

مؤید نظر مختار

یک مؤیدی برای این قول وجود دارد و آن این است که آن چیزهایی که برای وسایل تولید و به عنوان رأس المال و سرمایه مورد استفاده قرار گرفته است، بر فرض هم عنوان مؤونه بر آن صادق نباشد اگر به اندازه‌ای باشد که عرفاً تأمین مصارف حیات بدون آن ممکن نیست، مثلاً از درآمد و سود کسب و کار یک مبلغی بعد از کسر مؤونه‌ها باقی مانده است، اگر این مبلغ برای خرید ابزار کار یا وسایل تولید به کار برده نشود در زندگی آینده مشکل پیدا خواهد شد و نمی‌توان امور زندگی را اداره کرد؛ در این صورت از حکم وجوب خمس خارج است و لو عنوان مؤونه هم بر آن صادق نباشد. دلیل آن هم روایتی از ابی علی ابن راشد است:

بِإِسْنَادِهِ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَلِيٍّ بْنُ رَاشِدٍ قُلْتُ لَهُ أَمَرْتَنِي بِالْقِيَامِ بِأَمْرِكَ وَ أَخَذَ حَقَّكَ فَأَعْلَمْتُ مَوْلِيكَ بِذَلِكَ فَقَالَ لِي بَعْضُهُمْ وَ أَيُّ شَيْءٍ حَقُّهُ فَلَمْ أَدْرِ مَا أَجِيبُهُ فَقَالَ: «يَجِبُ عَلَيْهِمُ الْخُمْسُ» فَقُلْتُ: فَقِي أَيُّ شَيْءٍ؟ فَقَالَ (ع): «فِي أَمْتِعَتِهِمْ وَ صَنَائِعِهِمْ» قُلْتُ: وَ التَّاجِرُ عَلَيْهِ وَ الصَّانِعُ بِيَدِهِ؟ فَقَالَ (ع): «إِذَا أَمْكَنَهُمْ بَعْدَ مَوْنَتِهِمْ»^۱.

علی بن مهزیار می‌گوید: ابوعلی بن راشد به من گفت که من به امام (ع) گفتم مرا به انجام دادن کارتان و گرفتن حقتان امر فرمودید و من این مطلب را به دوستان و موالیان شما رساندم. بعضی از آنان از من پرسیدند که حق امام (ع) چیست؟ من ندانستم در جواب آنها چه بگویم. فرمود: بر آنها خمس واجب است، پرسیدم در چه چیزی؟ فرمود: در امتعه و صنایع آنها [یا طبق بعضی نسخه‌ها، ضیاع آنها]. گفتم: تاجر و صاحبان حرفه و صنعت چطور؟ حضرت فرمود: اگر برای آنها ممکن باشد (بعد از کم کردن مؤونه زندگی چیزی باقی ماند) خمس آن واجب است.

^۱ وسائل الشیعة، ج ۹، ص ۵۰۰، ابواب ما یجب فیہ الخمس، ب، ۸، ح ۲.

جمله امام (ع) که فرمود: «إِذَا أَمْكَنَهُمْ بَعْدَ مَوْتِهِمْ» صریح در استثناء مؤونه است که می‌فرماید خمس بعد از مؤونه است. اما این تقيید به قید «اذا امکنهم» می‌تواند مثل مانحن فیه را از حکم وجوب خمس خارج کند چون اگر شخصی بخواهد خمس دهد و سرمایه گذاری نکند و همچنین وسایل تولید نخرد، این امکان برای او نیست که بتواند زندگی و حیاتش را اداره کند لذا شاید قید «اذا امکنهم»، در واقع وسایل تولید و خرجی که برای ابزار کسب و کار می‌شود را از تعلق خمس خارج کند.

باید توجه داشت علت اینکه این روایت به عنوان مؤید ذکر شده، این است که با این روایت، عدم تعلق خمس به رأس المال [در صورتی که نیاز به آن باشد] ثابت می‌شود و دیگر مسأله شأن و مطابقت با شأن در اینجا مطرح نیست چون وقتی قید «اذا امکنهم» آمده است، فقط مسأله توقف حیات و زندگی بر رأس المال مطرح است؛ پس با این قید عدم تعلق خمس به رأس المال [ی که به آن نیاز است] ثابت می‌شود ولو اینکه عنوان مؤونه نداشته باشد. بله! اگر از این روایت استفاده می‌شد که «اذا امکنهم» ظهور در این دارد که خمس در رأس المال مورد نیاز مطابق شأن، ثابت نیست، چه بسا می‌توانست به عنوان دلیل مورد استناد قرار بگیرد ولی قید «اذا امکنهم» ظهور در این دارد که رأس المالی که احتیاج به آن دارد، هر چند مطابق شأن او نباشد متعلق خمس نیست؛

تاکنون نظریه و قول مختار تثبیت شد و اشکالاتی که ممکن بود متوجه آن شود بیان و پاسخ آن نیز عرض شد.

در ادامه مناسب است اقوال چهارگانه دیگر را هم اجمالاً بررسی کنیم. هر چند با توجه به مطالبی که تاکنون عرض شد، اشکالاتی که نسبت به سایر اقوال وجود دارد معلوم می‌شود اما مع ذلک مناسب است به این اقوال و ادله آنها و اشکالاتی که احیاناً متوجه این اقوال هست، اشاره شود.

بررسی سایر اقوال

بررسی قول اول (نظر صاحب عروه)

مرحوم سید قائل به وجوب خمس مطلقاً شده است؛ چه نیاز داشته باشد و چه نیاز نداشته باشد. چه اعاشه و زندگی مطابق با شأن او متوقف بر این سرمایه‌گذاری باشد چه نباشد، چه به مقدار سنته و چه افزون بر آن. به طور کلی هر مالی که از ربح کسب بخواهد برای خرید وسایل تولید مورد استفاده قرار گیرد، متعلق خمس است.

دلیل قول اول

آنچه می‌توان به عنوان وجه و مستند این قول ذکر کرد، این است که به نظر قائل، ادله استثناء مؤونه شامل این مورد نمی‌شود چون این مورد یا لا یُعَدُّ من المؤونه یا انصراف دارد. فرق است بین عدم الشمول من الابتداء یا انصراف؛ در واقع نتیجه یکی است و می‌خواهد بگوید که به طور کلی الخمس بعد المؤونه یا امثال این، منصرف است از مثل این سرمایه و رأس المال، چون این اصلاً مؤونه نیست. احتیاط وجوبی هم که مرحوم سید دارد [و فتوا نداده است] شاید به این جهت باشد که مسأله انصراف و عدم شمول برای ایشان قطعی نبوده است؛ به تعبیر دیگر گویا ایشان می‌فرماید خوراک و پوشاک و امثال آن متعلق خمس نیست چون قطعاً عنوان مؤونه شامل این موارد می‌شود. اما مثلاً در مواردی که ماشینی می‌خرد تا

با آن کار کند یا دستگاہی می‌خرد که در مغازه نجاری با آن کار کند، یحتمل عنوان مؤونه یا ادله استثناء مؤونه منصرف از این باشد و چون احتمال انصراف وجود دارد لذا قائل به احتیاط وجوبی شده‌اند.

اما وجه انصراف یا احتمال انصراف و عدم شمول ادله استثناء مؤونه این است که وسایل تولید و ابزار کسب و کار، خودشان مؤونه نیستند بلکه برای تحصیل مؤونه مورد نیاز هستند. پس اگر سؤال شود که چرا ادعای انصراف شده است؟ جواب این است که این خودش مؤونه نیست؛ مؤونه یعنی آن چیزی که انسان می‌پوشد و می‌خورد اما چیزی که وسیله برای تحصیل مؤونه است، جزء مؤونه به حساب نمی‌آید. پس علت اینکه خمس در وسایل تولید و ابزار کسب و کار واجب شده، این است که اینها مؤونه نیستند بلکه وسیله‌ای مورد نیاز برای حصول مؤونه هستند.

بررسی دلیل

این وجه هم به نظر ما محل اشکال است؛ چراکه ما برای زندگی به یکسری وسائل نیازمند هستیم. خوردن و آشامیدن و مسکن، همگی جزء اموری است که ما برای حیات به آن نیازمند هستیم، این مؤونه است. داشتن یک موقعیت و همچنین داشتن وسائل برای کسب درآمد و تأمین معاش نیز در ردیف آنهاست و جزء مؤونه‌ها به حساب می‌آید. یعنی همانگونه که خوراک و پوشاک مورد نیاز است و حیات انسان متوقف بر آنهاست، وسائل کسب درآمد و معاش هم مورد نیاز است؛ بعلاوه در جلسات گذشته معنای لغوی مؤونه را عرض کردیم که عبارت از ثقل الحیات بود و این ثقل الحیات همانگونه که شامل خوراک و پوشاک می‌شود، شامل وسایل تولید و ابزار کسب و کار هم می‌شود. از طرفی صدق عرفی گواه بر این مطلب است که هزینه‌هایی که برای تأمین درآمد و کسب [مطابق با شأن افراد] مورد نیاز صورت می‌گیرد، مؤونه محسوب می‌شود.

پس اینکه گفته شود رأس المال برای تحصیل مؤونه است و خودش مؤونه نیست، به نظر ما قابل قبول نیست. همچنین اینکه ادعای انصراف یا عدم شمول ادله استثناء نسبت به مانحن فیه شود، قابل قبول نیست.

بررسی قول سوم (محقق خوبی)

تفصیل بین رأس المال است که معادل مؤونه سنه باشد و رأس المالی که بیش از مؤونه سنه باشد صورت اول متعلق خمس نیست اما در صورت دوم، خمس ثابت است.

در اینجا مرحوم آیت‌ا. خویی یک قید و شرطی گذاشته‌اند و آن این است که می‌گویند به شرط اینکه درآمد دیگری برای او وجود نداشته باشد؛ اما اگر یک سرمایه دیگری برای آن هست که از محل آن می‌تواند هزینه‌های خودش را تأمین کند، در این صورت این پول متعلق خمس است. پس در واقع مرحوم آقای خویی می‌گویند رأس المال و سرمایه در صورتی که معادل مؤونه باشد، به شرط اینکه نیاز به آن باشد و سرمایه دیگری نداشته باشد که از محل درآمد آن، هزینه‌های خود را پوشش دهد، در این صورت نیازی به پرداخت خمس نیست؛ اما اگر احتیاجش به حدی است که با وجود آن رأس المال دیگر و سرمایه دیگر برطرف می‌شود و این مقدار باقی مانده که می‌خواهد سرمایه گذاری کند، مورد نیاز نیست، در این صورت خمس آن را باید پرداخت کند. این تفصیلی که آقای خویی در این مسأله داده‌اند.

«الحمد لله رب العالمین»

بحث جلسه آینده: ذکر دلیل و بررسی قول آقای خوبی (ره) و اشکالات آن.